

# خط نستعلیق در پاکستان و هند

## سرشمه‌نسری که از ایران جاری شد و در شبته قاره کشر شفت

نوشته : دکتر محمد عبدالله جغتائی  
ترجمه از اردو به فارسی : محمدجعفر جوان

### توسعه و ترویج خط اسلامی

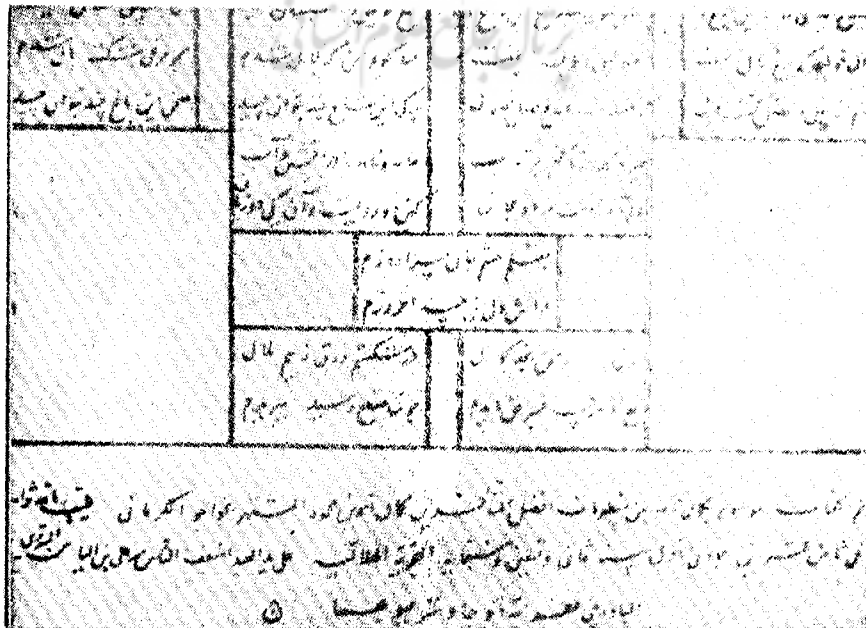
تاریخ سیاسی اسلام با رونق خط اسلامی مرتبط می‌باشد. زیرا خط اسلامی نه تنها مقام خود را در تمام ممالک مفتوحه حاصل نمود بلکه از آنهم فراتر رفته به دور افتاده‌ترین کشورها رسید و به علت زیبایی و جلوه و رسم الخط خاص خود مقامی شایسته بدست آورد و این سعادت تا به امروز نعیب هیچ رسم الخط دیگری نگشته است.

خط اسلامی برای خود مقامی خاص دارد. اگرچه بعضی از آثار و علائم آن در خطوط قبل از اسلام نیز دیده می‌شود، ولی اولین سند ومدرك آن وابسته به خط مبارک حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌باشد زیرا آن حضرت برای تبلیغ اسلام کتابت می‌فرمودند.

تاریخچه خط اسلامی فوق العاده جالب است. کوفه، جایی که خط اسلامی از آنجا گسترش یافت مسلماً حائز کمال

اهمیت است، ولی در نیمه سده دوم خلفای عباسی نزدیک کوفه، بغداد را به عنوان يك مرکز فرهنگی اسلامی جداگانه قرار دادند. جایی که ابوعلی بن مقله (متوفی ۳۳۸ هـ) روش نوشتن خط اسلامی را وضع نمود و بهمین جهت آنرا «خط المنسوب» نام نهادند. این سبک جایگزین سبک ابتدائی خط کوفی گردید. پس از این مقله ابن البواب (متوفی ۴۲۳ هـ) آنرا توسعه بیشتری داد، سپس یاقوت مستعمری (۶۹۶ هـ) مجدداً زیبایی خاص دیگری بدان اضافه نمود بقرسی که بواسطه آن خط اسلامی یعنی خط نسخ موقعیت خاص و مستقلی حاصل نموده و در زمره فنون لطیفه دنیا قرار گرفت. در این خط، استادانی در عالم اسلام پیدا شدند که امروز موجب مباهات و فخر می‌باشند.

پس از حاکمیت اسلام، بعثت رواج رسم الخط عربی انقلاب عظیم فرهنگی در ایران بوجود آمد و بواسطه نفوذ فرهنگ



اسلامی در زبان قدیم ایران رسم الخط عربی رواج یافت. استادان و دانشمندان پس از مدتی چنین احساس کردند که فارسی و عربی دو زبان از هم جدا هستند که بایک رسم الخط که عربی باشد نوشته می‌شوند درحالیکه قواعد دستوری (صرف و نحو) آنها از یکدیگر جدا و متمایز است و گذشته تاریخی هر دو جدا می‌باشد، بهمین سبب باید در شیوه نوشتن هر دو خط تا اندازه بی‌فرقی موجود باشد. تا آخر سده هفتم هجری خط نسخ و تعلیق در توران و ایران موقعیت خاص و مستقلی پیدا کرد. ناگفته نماند که محققین این را نیز پذیرفته‌اند که خط نستعلیق در اصل ترکیبی از خط نسخ و تعلیق می‌باشد.

### مخترع و موجد خط نستعلیق

بنابه مدارک موجود، مبدع خط نستعلیق را میرعلی تبریزی می‌دانند. میرعلی که در بغداد در دربار سلطان احمد جلایر (۷۸۳ - ۸۱۳) ه بود کلیات فارسی «خواجوی کرمانی» را در سنه ۷۹۸ ه به خط نستعلیق در بغداد نوشت و حال آنکه زبان اهل بغداد همیشه عربی بوده است. این نسخه کلیات مصور خواجوی کرمانی در موزه لندن موجود می‌باشد. (شکل شماره ۱)

نسخ تعلیق اگر خفی و جلی است

واضح الاصل خواجه میرعلی است

از آن پس خط نستعلیق در ایران و توران عمومیت یافت و نوشته‌های فارسی به همان خط نگارش یافت که نمونه‌های بی‌شماری از آنها اکنون نیز موجود می‌باشد - تاریخ و سرگذشت این رسم الخط بسیار جالب می‌باشد. اگرچه همانطور که اشاره شد بعضی از دست‌نشته‌ها مربوط به قبل از زمان میرعلی تبریزی جزو خط نسخ تعلیق‌نما بدست آمده است ولی میرعلی از لحاظ فنی آنرا بصورت مستقلی عرضه نمود.

جعفر تبریزی نزد میرعلی تبریزی و فرزند وی مولانا عبدالله نستعلیق‌نویسی را فرا گرفته و در نوشتن آن خط مهارت حاصل نموده است. وی نزد بایسنقر میرز ابن شاهرخ میرزا به هرات آمده و در سنه ۸۳۳ ه «شاهنامه» را به خط نستعلیق نوشته است خوشبختانه امروز این نسخه خطی مصور در کتابخانه سلطنتی در تهران موجود می‌باشد و در پایان آن نام خود را با اظهار فخر و مباهات (جعفر بایسنقری) نوشته است (شکل شماره ۲) وفات وی در سال ۸۶۰ ه اتفاق افتاد. از شاگردان مشهور جعفر بایسنقری مولانا اظهر تبریزی می‌باشد. در شیوه نستعلیق نمونه‌های بیشماری از خط وی یافت می‌شود - وفات وی احتمالاً در سنه ۸۸۰ ه واقع شده است. از بین شاگردان او بطور عموم نام مولانا سلطان علی مشهدی «قبلة الكتاب» برده می‌شود که وی در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا شهرت فراوانی حاصل کرد. وفات او در سنه ۹۲۶ ه

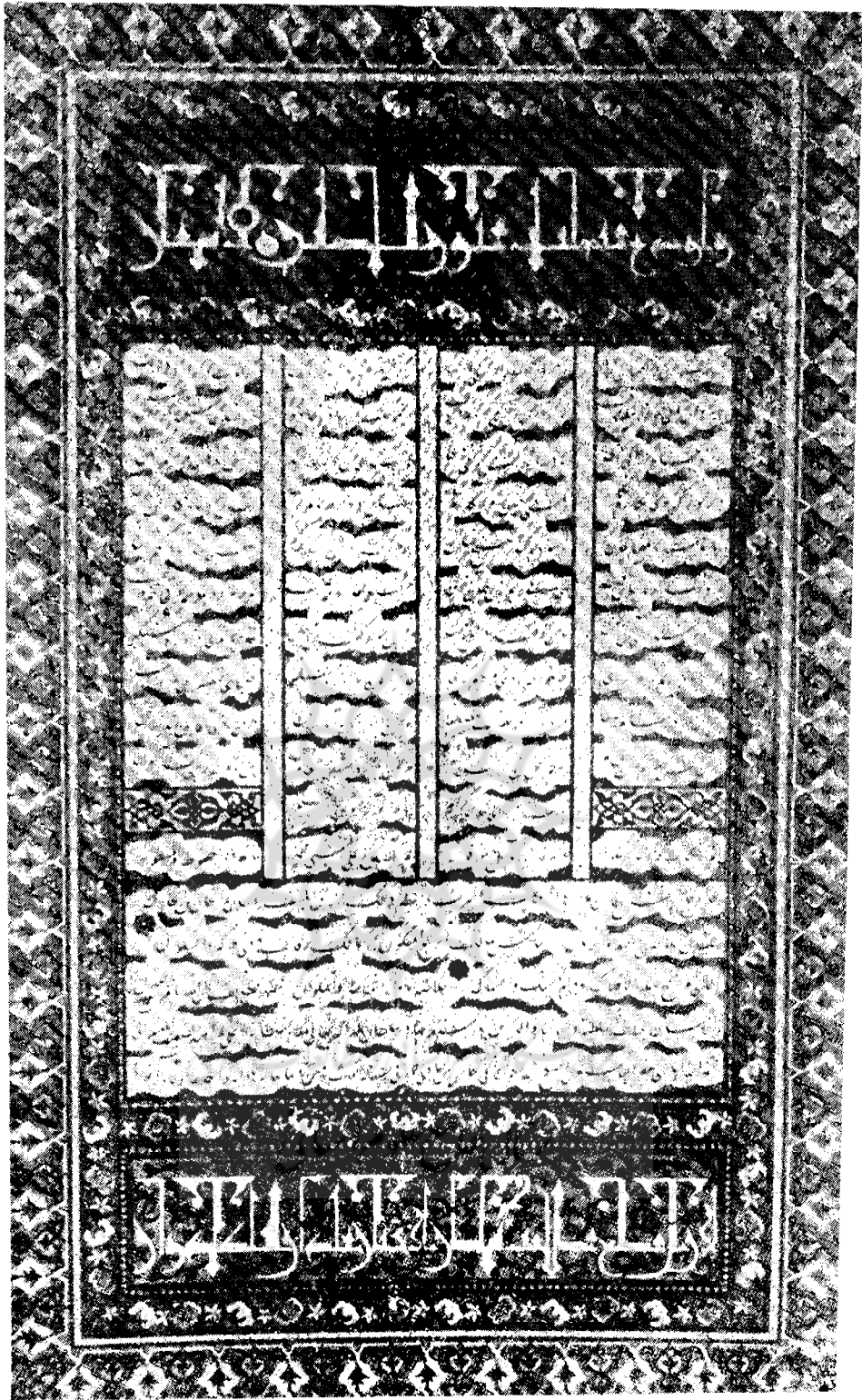
در مشهد واقع گردید - از شاگردان وی مولانا زین‌الدین محمود که داماد او نیز بوده نام آور گردید و میرعلی هروی نزد او شیوه نستعلیق‌نویسی را آموخت و افتخار دامادی مولانا زین‌الدین نیز نصیب وی گردید - در سنه ۹۳۵ ه از هرات به بخارا آمد.

پس از وفات سلطان حسین میرزا (۹۱۱) از سنه ۹۲۰ ه اکثر استادان این فن از هرات به تبریز آمده به دربار شاه اسماعیل صفوی پیوستند که از جمله آنها کمال‌الدین بهزاد و غیره نیز می‌باشند و بدین طریق خط نستعلیق در ایران و توران و خراسان رونق یافت. شیوع آن در عهد شاهان مغول واقع شد که چگونگی آن بطور اختصار ذیلاً بیان می‌گردد.

**نستعلیق‌نویسی در پاکستان و هند:** بابر هنگامی که در سنه ۹۳۲ ه. به هند حمله نمود همراه وی خطاطان و نقاشان و دیگر استادان نیز آمدند و بواسطه وجود او اولین بار خط نستعلیق از این نقطه رواج پیدا کرد. بابر خود نیز خطاط درجه اول بود و خط بابری بنام وی مشهور می‌باشد - فتح‌نامه هندوستان را شیخ زین نوشته بود که همراه بابر بوده است - دست‌نشته‌های اکثر آن استادان امروز نیز در بعضی از موزه‌ها یا مجموعه‌های اشخاص موجود می‌باشد. از بین این دست‌نشته‌ها نسخه فارسی مصور مورخ ۹۳۷ ه «واقعات بابری» به خط علی‌الکاتب در استان آلور هند موجود می‌باشد که برای شاهزاده همایون نوشته شده است.

دوران اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ه) در هند، همیشه به عنوان دوران تشویق و سرپرستی اهل فن ذکر خواهد گردید. در زمان وی خط نستعلیق مخصوصاً رونق زیادی یافت. ابوالفضل در کتاب (آئین اکبری) فهرست اسامی خطاطان نستعلیق را تا آن زمان تهیه نموده است، در این فهرست نام استادانی که از ایران و توران به دربار اکبر پیوسته و بواسطه وجود آنان دربار اکبر تجلی‌گاه هنر شده نیز موجود می‌باشد.

از بین این استادان خواجه عبدالصمد شیرین قلم و میرسیدعلی تبریزی و ملا فخر مجلد را که با همیان پول از ایران آمده بود و مانند عهد بایزید از طرف دربار مغول لقب (کاتب‌الملک) یافته بود مخصوصاً قابل ذکر می‌باشد - بهترین مثال رونق اینگونه خط ادعیه نوشته شده روی سنگ مرمر آرامگاه اکبر می‌باشد که نودونه اسماء الحسنی با همین خط شیوای نستعلیق نقر شده است. این کنده کاری امروز نیز بر روی آرامگاه اکبر در اگره سکندره موجود می‌باشد. استادان خط و نقاشی هنرمندان غیرمسلمان آن ناحیه را نیز به روش کار خود آشنا ساخته و مهارت بخشیدند بقسمی که بسیاری از شواهد این امر در عهد اکبر یافته می‌شود و بدین طریق میل و توجه خاصی به سوی این شیوه خط (نستعلیق)



حاصل گردید و از بین آنان بسیاری از استادان تا زمان جهانگیر کار می‌کردند که از بین آنان مخصوصاً استادانی چون عبدالرحیم هروی، عنبرین قلم، عبدالله مشکین قلم، محمدحسین کشمیری زین قلم قابل ذکر می‌باشند. جهانگیر بسوی این فن توجه خاص مبذول نمود تا آنجا که در نتیجه آن، استادان زیادتری از ایران به هندوستان روی آوردند زیرا در آن وقت حکومت‌های ایران و توران به هنرمندان کمتر توجه می‌نمودند.

**میر عمادالحسینی:** در همین زمان یعنی در عهد صفویه میر عمادالحسینی القزوینی بهترین خطاط شیوه نستعلیق ایران به شمار می‌آمد و شاه عباس صفوی به وی فخر می‌نمود و اظهار تمایل کرد که بهر نحوی شده (شاهنامه فردوسی) را به شیوه خط نستعلیق بنویسد و این یک واقعه بسیار مشهور تاریخی است که به طرق مختلفه گفته می‌شود، یک سال بعد شاه فرمود که چنانچه شاهنامه نوشته شده است برای ملاحظه وی آنرا ارائه نمایند، عمادالحسینی در اصل شاگرد محمدحسین تبریزی بوده ولی بطور عموم به شیوه میر علی هروی می‌نوشت و در اصفهان سکونت اختیار نموده بود. از بین شاگردان عمادالحسینی: نورالدین لاهیجی، عبدالرشید دیلمی (که خواهرزاده و داماد وی نیز بود)، میر ابراهیم، ابوتراب اصفهانی، عبدالجبار اصفهانی، محمد صالح خاتون آبادی، درویش عبدی بخارایی و دختر وی گوهرشاد بود. او اصلاً سنی مذهب بود و از آنجا که مردم ایران شیعی مذهب بودند، در زمان شاه عباس او را به قتل رسانیدند. شاگردان وی مراسم کفن و دفن او را بجا آورده و در مسجد مقصود بیگ بک خاک سپردند - چنین استنباط می‌شود که این واقعه در سال ۱۰۲۳ هـ اتفاق افتاده باشد. از خطاطان مشهور معاصر میر عماد علی‌رضا تبریزی است که هر دو طرز نویسندگی «نستعلیق و ثلث» را خوب می‌نوشته است و نام وی در کتاب (عالم‌آرای عباسی) جزو خطاطان زمان شاه عباس دیده می‌شود و بهمین مناسبت همراه نام خود کلمه «عباسی» را هم می‌نوشت - کتیبه‌های مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد شاه از اوست و نام وی (علیرضا عباسی) در آن دیده می‌شود - ظاهراً درباره قتل میر عماد نام علیرضا جزو مسببین آن واقعه برده می‌شود.

بهترین نسخه مصور (گرشاسب‌نامه) اسدی شاعر به خط عمادالحسینی القزوینی است که در سال ۹۸۱ هـ نوشته شده است و در موزه لندن به شماره (or. 12965) موجود می‌باشد و تصاویر آنرا مظفر علی صادقی وزیر العابدین کشیده‌اند، در ابتدای عهد شاهجهان حکیم رکنا از ایران به هندوستان آمد و به دربار او راه یافت و در زمره خطاطان طراز اول دربار وی قرار گرفت. یکی از دست‌نشته‌های مصور وی (گلستان سعدی) است که در مجموعه مستر چیستریتی

(در انگلستان) موجود می‌باشد و اینجانب آنرا مشاهده نموده‌ام. از نوشته او معلوم می‌شود که حکیم رکنا آنرا در ماه جمادی‌الاول سال ۱۰۳۸ در پایتخت اگره نوشته است و از آن نوشته کاملاً آشکار است که نام کامل وی رکن‌الدین مسعود مشهور به (حکیم رکنا) بوده است - یک نسخه از (بوستان سعدی) که بهمین خط آنرا در سال ۱۰۳۹ هـ نوشته در موزه لندن موجود می‌باشد.

در کتاب «عمل صالح» نوشته محمد صالح کنبوه درباره وقایع سال ۱۰۲۰ هـ نوشته است که او شاعر بوده و تخلص وی (مسیح) بوده است. در آخر ربیع‌الاول سال ۱۰۴۰ هـ بنا به استدعای او و فرمان ملکه ممتاز الزمانی مبلغ پنج هزار روپیه بعنوان انعام بوی عطا شد و روانه مشهد مقدس نمودند - آن دو نسخه بسیار نفیس را که بطرز بسیار عالی نوشته شده بود در سال ۱۰۳۸ هـ شاهجهان به شاه انگلستان بطور تحفه عطا نمود و بعداً این نوشته‌ها را پادشاه انگلستان در سال ۱۲۴۲ هـ برسم هدیه و تحفه به فتحعلیشاه قاجار اهدا نمود. **عبدالرشید دیلمی در دربار شاهجهان:** بعلت پیش آمدهای ناگوار ناشی از کشته شدن میر عماد خواهرزاده وی عبدالرشید دیلمی تا سه ماه از منزل خارج نشد و در همانجا مشغول تمرین و کتابت روی کاغذ سمرقند گردید که تقریباً بالغ بر ۵۰۰ برگ می‌باشد - و بعلت پریشانی روی به جانب هندوستان نهاد در حالی که برای پوشانیدن بدن خود لباس نداشت. ابتدا به لاهور رسید و در آنجا چند روزی اقامت گردید و چند شاگرد نیز پیدا کرد - ولی پس از مدتی مستقیماً از لاهور به اگره رفت و این واقعه در زمان شاه جهان اتفاق افتاد - داستان رسیدن وی به دربار بسیار دلچسب بوده و به طرق گوناگون گفته می‌شود، رشید دیلمی همینکه به اگره رسید به طریقی عریضه ذیل را به خدمت شاهجهان تقدیم داشت که عبارات و الفاظ این عریضه بصور گوناگون زیر یافته می‌شود:

خليفة الرحمانی صاحب قران ثانی .  
عرضداشت بنده فدوی عبدالرشید :  
سجدهات عبودیت به تقدم رسانیده ، به غرض حجاب بارگاه عرش آشیان برساند که رفاهیت سلسله میر عماد در ولایت قزلباش میسر نیست چنانچه اکثری از خویشان و همشیرزاده‌های میر در ممالک روم توطن اختیار نموده‌اند .

(۱) از این جهت تیز روی امید به درگاه خلاق پناه آورد و به عنایت ایزدی این سعادت نصیب بنده شده که مدت بیست و سه سال به خاکروبی این آستان سعادت نشان سرفرازی داشت - در این ایام غیبت ، بیماریهای متعدد مزاج را ضعیف نموده از خجالت تقصیر خدمت ملاحظه می‌نماید - اگر رضای خاطر مقدس بوده باشد در سایه عدالت حضرت در لاهور یا اکبر آباد هر جا که حضرت حکم کند ، گوشه گرفته با خانه زادان

حضرت به دعاگویی دولت ابد قرین مشغول باشد و سایه آن کعبه حاجات بر سر بنده‌ها گسترده باد .

همین تقاضا در عبارات ذیل نیز یافته می‌شود :

الله اکبر

الهی خلیفه الرحمن صاحب قران ثانی .

عرضداشت

بنده فدوی عبدالرشید الدیلمی

بخدمت عبودیت از روی صدق نیت به تقدیم رسانید و باستحضار می‌رساند که چون ذات مقدس بندگان اعلیحضرت سلیمان منزلت رحمت الله هست ....

(۲) ... و هیچ بنده‌ای از بنده‌ها تقصیر دار رحمت نیست - بنابراین معروض می‌دارد که این بنده را اخلاص به جهت سرانجام خدمات باشد و التماس می‌نماید که بعد از این هر حکمت نسبت به این بنده شود یقین که محض رفاهیت بنده خواهد بود. سایه این کعبه حاجات هموار بر سر بنده‌ها گسترده باد . قطعه زیر نیز همراه این عریضه بوده است :

تو آن خجسته خصلی که ساکنان فلك

بر آستان تو دارند میل در بانسی

چه حاجت است که گوئیم حال خسته خود

که حال خسته دلان را تو خوب می‌دانی

گفته می‌شود که شاه جهان را بسیار خوش آمده و ماهانه یک هزار روپانصد روپیه مقرری برای او تعیین نموده و او را مورد تفقد قرار داد - علاوه بر آن نوشته شاه جهان که ذیلاً بیان می‌شود و بعنوان سپاسگزاری می‌باشد بیشتر با آیات قرآنی با معنی مزین شده است - در همین سال رشید دیلمی به دربار شاه جهان پیوسته است که در این نوشته قابلیت و استعداد ذاتی رشید هم نمایان است .

بسم الله الرحمن الرحيم

وکیل امور الهی و برگزیده حضرت پادشاه برساند از مواهب نعم نامتناهی از خزانه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله دروجه من جاء بالحسنة فله عشر امثالها به حکم سد عندکم ینقذ و ما عند الله باقی از معامله من ذالذی یقرض الله قرضاً حسناً به قول ان احسنتم احسنتم لانفسکم تسلیم سائل و اما السائل فلا تنهر تا بوقت محاسبه حساباً یسرا در دیوان من یعمل مثقال ذرة خیراً یره در تاریخ یوماً کان مقداره خمسین الف سنه تا روز یوم لایفیع مال و لابنون مجری گردد - حرره عبدالرشید (شکل شماره ۳) .

ترجمه مختصر آن الفاظ چنین است :

«به وکیل امور الهی و برگزیده و حضرت پادشاه رسانیده شود . بخشش نعمت بی پایان دنیا از خزانه مثل آن

کسانی است که از مال خود در راه خدا خرج می‌نمایند و بهمین جهت هر کس که نیکی می‌کند بدل آن نیکی را ده برابر آن ترد خدا خواهد یافت یعنی در واقع به خدا قرض الحسنه دادن است بدان سبب که نیکی نموده زیرا در قرآن آمده است که سائل را با درشتی از خود مرانید تا آنکه در روز حساب برای شما آسانی باشد و نیکی کننده پادشاه آن کار خیر را هر اندازه که کوچک باشد روزی که اندازه آن روز بنجاه هزار سال است دریابد و در آن روز نه مال و نه اولاد سودی نخواهند داشت .

بنظر من این نوشته که در آن به پنجاه هزار سال اشاره شده در اصل نوع جدیدی از تجنیس خطی خمسین الف سنه می‌باشد یعنی در اینجا به نحوی اشاره به سال ۱۰۵۰ شده است و این همان سالی است که از طرف دربار شاه جهان به وی انعام داده شد و او در آن وقت به دربار شاه جهان پیوسته بود ، این عقیده نظر شخص من است . همانطور که در بالا گفته شد وی قریب سی سال سرگردان بوده و بعد از درگذشت میرعماد (۱۰۲۴ هـ) از اصفهان بیرون آمده و بهمین جهت از روی قیاس سنه ۱۰۵۰ هـ صحیح بنظر می‌رسد .

گفته می‌شود که عبدالرشید دیلمی اول به سمت انالیق شاهزاده دارا شکوه تعیین شد و پس از آن خدمتگزاری بیواتات لاهور و اکبرآباد آگره بوی سپرده شد ، و در بین شاگردانی که در اکبرآباد داشت (علاوه بر شاهزادگان مرد و زن شاهزاده دارا شکوه و جهان آرا و زیب النساء نیز می‌باشند) سعیدائی اشرف ، مازندرانی ، میرحاجی و غیره نیز جزو شاگردان وی بودند .

نگارنده يك نسخه خطی دارد که در آن فرمان شاهزاده جهان آرا دختر شاه جهان موجود می‌باشد و از این فرمان معلوم می‌شود که به عبدالرشید دیلمی در لاهور ، شاه جهان آباد و اکبرآباد که عمارات باشکوهی هستند مرحمت شده بود . ذیلاً متن آن فرمان نگاشته می‌شود : فرمان قضا جریان حریم وقت رابعه عصر جهان آرا بیگم بنت شاه جهان پادشاه که به دستخط خاص به آقا عبدالرشید تحریر کشیده ، مرقوم قلم اختصاص می‌گردد .

بسم الله الرحمن الرحيم

شرافت مآب لایق عنایت و احسان قابل مرحمت بیکران آقا عبدالرشید به عنایت و التفات علیه العالیه سرفراز گشته بدانند :

عرض داشتی که در نیولا ارسال داشته بود رسید آنچه در باب هر سه حویلی خود که در اکبرآباد و شاه جهان آباد دارالسلطنت لاهور دارد ، مفروض استدعای فرمان عالیشان قضا جریان نموده بود معلوم شد مضمون معروضه آن لایق

العناية به عرض مقدس معالي می‌رسانیده باشد از رهگذر فضل و کریم به موجب التماس و درجه پذیرائی یافت. فرمان قضا جریان قدر توامان فرستاده شد خواهد رسید. خبر جمیل‌الملکی را خیر دهد که فرمان عالیشان را عوائق مطالب نوشته است توجه ما را شامل حال خود داند. بتاريخ شهر ربیع الاول سنه (؟) قلمی شد.

\*\*\*

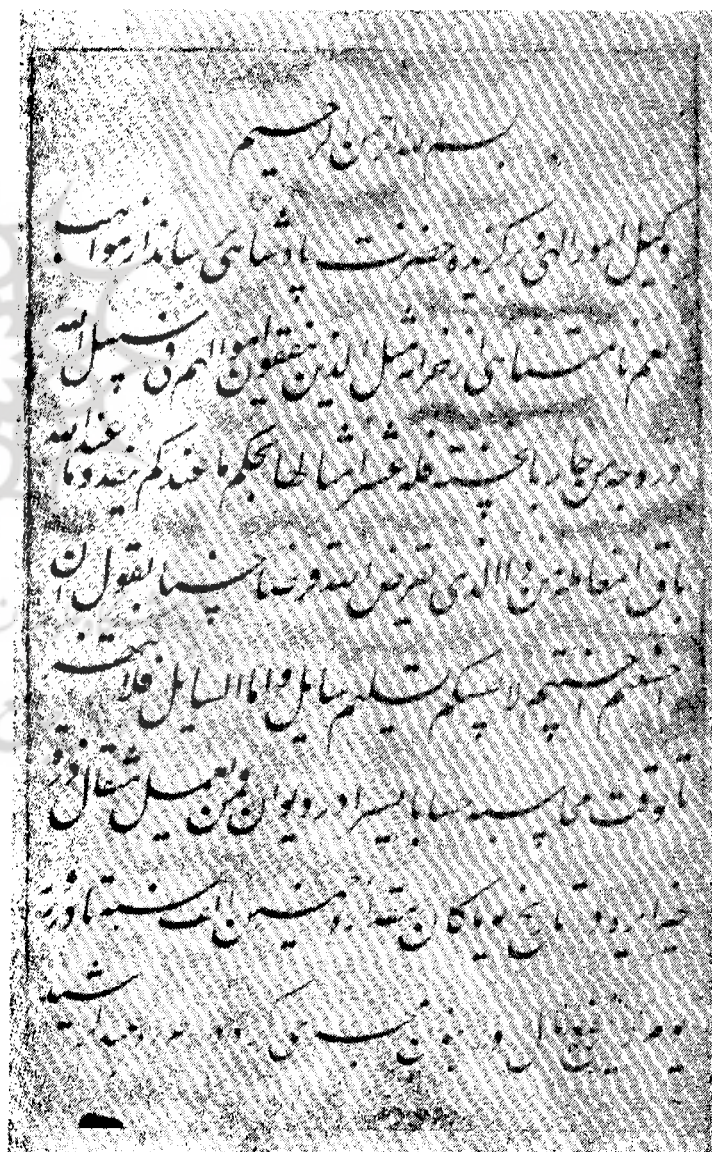
در تاریخ عهد شاه جهان «عمل صالح» چنین دیده می‌شود که در سال ۱۰۵۸ هجری بجای عبدالرحمن و دیانت رأی کتابدار کتابخانه گردیده است اتفاقاً در کتابخانه مشهور

دولتی (توب کپوسرای) استانبول يك نسخه خطی دیوان «حسینی» سلطان حسین باقی‌مانده موجود است که زمانی زینت بخش کتابخانه‌های پادشاهان مغول بوده است - اتفاقاً در همین نسخه خطی در همان سال ۱۰۵۸ هجری يك مهر گرد عبدالرشید دیلمی موجود می‌باشد و همراه آن یادداشتی نوشته شده که از آن آشکارا می‌گردد که «این کتاب در ۲۶ شوال بیست و دومین سال سلطنت شاه جهان یعنی در سنه ۱۰۵۸ هجری تحویل خواجه نعمت گردیده است» در مهر گرد این عبارت نوشته شده است:

«بنده شاه جهان عبدالرشید دیلمی» (شکل شماره ۴) در کتاب «عمل صالح» از رشید دیلمی خوشنویس عهد شاه جهان (پس از محمد مراد شیرین قلم) چنین یاد می‌شود: آقا رشید شاگرد رشید میرعماد است و مورد فیض خداداد، دوات چینی نسبتش نافه آهوان ختن و کلاک سحرپردازش واسطه آرایش سخن، به حسن خط و خوبی کلام و نیکوئی طبع مشهور آفاق است و دوائر ومدات حروفش چون چشم و ابروی خوبان در نیکوئی طاق.

از این کلمات موقعیت رشید دیلمی بعنوان يك خطاط ممتاز بخوبی روشن می‌گردد و علاوه بر آن از بین امراء شاه جهان او را در زمره خوشنویسان «صدی و پنجاه سوار» نوشته است. همانطور که در بالا ذکر گردید بنظر من وی در سال ۱۰۵۰ هجری به دربار شاه جهان آمده و وفات وی به سال ۱۰۸۱ هجری در زمان اورنگ زیب عالمگیر اتفاق افتاده است. چنانچه ما بخواهیم بطور صحیح کارهای فنی رشید دیلمی را مورد بررسی قرار دهیم لازم است این موضوع را نیز در نظر بگیریم که بعضی از نمونه‌های خط وی هنگام اقامتش در ایران نیز مانده است، البته بر ما معلوم نشد که چه چیزهایی را نوشته است ولی در هر حال چند نمونه از کارهای فنی او را در اینجا بطور اختصار عرضه می‌نمائیم: چندی قبل مجله «دانشکده شرق شناسی» يك قطعه از خط رشید دیلمی را که مربوط به بخشش پادشاه بود منتشر کرد. او این قطعه را به سال ۱۰۶۲ هجری در اگره نوشته بود و نیز دکتر مهدی بیانی بیان کرده است که نمونه‌هایی از خط رشید دیلمی که در اصفهان پیش از آمدن وی به دربار شاه جهان نوشته است موجود می‌باشد. من خود نیز نمونه‌های مختلف خط او را در مجموعه‌های اروپائی و امریکائی دیده‌ام. در اینجا به نمونه خاصی از «نادعلی» را که با عقاید شیعه مطابقت داشته و جزو مجموعه مهاراجه کشن پرشاد حیدرآباد دکن می‌باشد اشاره می‌شود. غرض آنکه با يك نظر افکندن بر آن معلوم می‌گردد که آن کاتبان، عبارات عربی را نیز با مهارت تامی به شیوه نستعلیق نوشته‌اند.

با روشن شدن این حقایق، ناگزیر از قبول این مطلب



از رفعات عالمگیری آشکار می‌شود که هدایت‌الله زرین‌قلم که استاد شاهزاده کام‌بخش بوده و کتابی را که در آن اشعار نوشته و به او تقدیم کرده به خط خود این رباعی را نوشته است :

آتش به دو دست خویش درخمن خویش  
 من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش  
 کس دشمن من نیست منم دشمن خویش  
 ای وای به من دست من و دامن خویش  
 سعیدای اشرف مازندرانی که شاگرد آقارشید بوده و در  
 شاعری نیز شاگرد صائب تبریزی بوده است بروفات استاد خود  
 رشید دیلمی قعبده بلندی نوشته که بسیار مشهور است و از میان  
 قعبده این پنج شعر را ملاحظه فرمایید :



کرده بود ایزد عنایت خوشنویس و شاعری  
 کسر وجود هر دو کردی افتخار ایام ما  
 بود اسم و رسم آن عبدالرشید دیلمی  
 بود نام این عمل بیگ و تخلص صائب  
 آن به هندوستان نمودی خوشنویسی را علم  
 این به ایران داشتی رسم سخندانی بیا

\*\*\*

روی با من کرد و گفت اشرف بگوتاریخ آن  
 چون ترا بودند ایشان اوستاد و پیشوا  
 گفتم از ارشاد پیر عقل در تاریخ آن  
 بود با هم مردن آقا رشید و صائب  
 (۱۰۸۱ . ه .)

اشرف مازندرانی شاهزاده زیب‌النساء را نیز خط نستعلیق  
 تعلیم داده است. مصنف «تذکره خوش‌نویسان» غلام محمد  
 هفت قلمی از چند شاگرد رشید دیلمی نام برده که از بین  
 آنان شاهزاده دارا شکوه، میرحاجی (پسرخوانده آقا  
 عبدالرشید) سعیدای محمد اشرف مازندرانی، مولانا شاکر،  
 چندربهان منشی، خواجه عبدالرحمن فرمان‌نویس، قابل ذکر  
 می‌باشند.

سیدعلیخان جواهر رقم‌الحسینی بن آقا مقیم، به شیوه  
 خط میرعماد خوب می‌نوشت و در آخر دوران فرمانروائی  
 اورنگ زیب به هندوستان آمد و عالمگیر او را برای تعلیم  
 خط به شهزادگان گماشت و بهمین نحو قدردانی از خوشنویسان  
 تا آخر عهد مغول باقی ماند.

در تاریخ فنون مستظرفه این نکته را باید همیشه مدنظر  
 داشت که در عهد شاهان مغول هر هنرمند یا شاعری از هر  
 قوم و مذهبی به دربار آنان روی می‌آورد اگر در هنر خود  
 استاد بود آنچه لازمه قدردانی و تشویق بود برایش میسر  
 می‌شد و بهمین سبب است که افراد لایق و شایسته‌یی که از

خواهیم بود که عبدالرشید دیلمی در تاریخ خط اسلامی مقام  
 و موقعیت خاصی را حائز گشته است در نمونه‌های خط وی  
 کشش و ترکیب واز همه مهمتر عمق حروف و مدور بودن  
 آن مرتبه خاصی را دارا می‌باشد. دیلمی در زمان خود مخصوصاً  
 در نستعلیق نویسی رهبریشرو خوشنویسان این نوع خط  
 محسوب گشته است و غالب خوشنویسان در زمره شاگردان  
 مکتب وی به شمار می‌آیند.

محمد صالح کنبوه در خاتمه کتاب «عمل صالح»  
 خوشنویسان دوران شاه‌جهان را ذکر کرده است. از بین آنها  
 محمد مراد کشمیری ملقب به شیرین‌قلم و آقارشید که در بالا  
 به آنها اشاره شد نام برده شده‌اند. همچنین میر محمد صالح و  
 میر محمد مومن پسران عبدالله مشکین قلم، شرف‌الدین عبدالله  
 و میر سیدعلی تبریزی که از مشاهیر خطاطان آن زمان بوده‌اند  
 به شیوه نستعلیق می‌نوشته‌اند. اکثر استادان خط زمان شاه‌جهان  
 خوشنویسان دربار اورنگ‌زیب نیز بوده‌اند و از همان  
 عزت و احترام و مرتبت که در زمان شاه جهان داشته‌اند  
 برخوردار بوده‌اند از بین آنها خطاطی بنام میرزا سیدعلی‌خان  
 جواهر رقم تبریزی بوده که اگرچه بیشتر خط نسخ می‌نوشته  
 ولی نسبت به رشید دیلمی فوق‌العاده احترام می‌گذاشته و  
 هدایت‌الله زرین‌قلم نیز که برای تعلیم خط به شاهزادگان  
 گمارده شده بود از تشرّف به اورنگ‌زیب برخوردار بوده  
 است. زرین قلم با همه شیوه‌های خط خطاطی می‌نمود ولی  
 در نگارش نستعلیق به آقارشید فوق‌العاده احترام می‌گذاشت.  
 وفات هدایت‌الله بسال ۱۱۱۸ ه در احمدنگر اتفاق افتاده است.  
 اگرچه بعضی از افراد خط جواهر رقم تبریزی را بر خط  
 هدایت‌الله ترجیح می‌دهند ولی در بین این دو استاد از لحاظ  
 فنی هیچ‌گونه بغض و عناد و مخالفتی وجود نداشته. در رقع‌های

ایران و توران به آنجا روی می‌آوردند قدر و منصب شایان شأنشان نصیب آنان می‌گشت و همچنین از استادی آنان در فن خود کمال‌قدردانی به عمل می‌آمد و بدون هیچ رادع و مانعی جزو درباریان به شمار می‌آمدند بهمین سبب است که خط نستعلیق آنچنان که باید و شاید در هند و پاکستان رونق یافت و خط اسلامی به‌شیوه نستعلیق در سرزمین هند و پاکستان رواج پیدا کرد و خطاطانی در هراستان و شهرستان و قریه سرزمین هند و پاکستان پیدا شدند که در دنیا نام‌آور گشتند و این شیوه خط نستعلیق می‌باشد و بهمین علت است که هزاران استاد خط هم در هر گوشه یافت می‌شوند که بنظر من تا این اندازه در سرزمین دیگران نمی‌توان یافت. بهترین خطاط اخیر کشور ما حاج دین محمد بود که در سن ۹۰ سالگی در اول اوت سال ۱۹۷۱ در لاهور برحمت ایزدی پیوسته است، وی تمام طول زندگی خویش را وقف فن خطاطی نموده و هزاران نمونه برسم یادگار از خود باقی گذاشته است. وی بطور کلی به همین شیوه نستعلیق می‌نوشته است.

### منابع و مأخذ

- ۱ - کتاب دیوید دیرینجر (به زبان انگلیسی) لندن ۱۹۶۲ ص ۱۴۰ - ۱۴۴.
- ۳ - بلانری، فتوح البلدان (مصر ۱۹۰۱) ص ۴۷۶.
- ۳ - دکتر محمد عبدالله جغتائی - تدوین قرآن کریم، مقالات (لاهور ۱۳۹۲. ه. م.) ص ۵۵ - ۶۶.
- ۴ - ابن خلکان، وفات الاعیان (ترجمه سلین Slane) پاریس ۱۸۷۱ - ج ۲ + ص ۳۳۱.
- ۵ - کلمنت هودارت، خطاطان و نقاشی (بزربان فرانسوی) پاریس ۱۹۰۸ ص ۱۰۸ - ۱۱۵.
- ۶ - دوست محمد - حالات هنروران، تألیف دکتر محمد عبدالله جغتائی (لاهور ۱۹۳۶) ص ۱۱ - ۱۶.
- ۷ - سلطان علی مشهدی سراط السطور، تألیف حکیم شمس‌الله قادری (حیدرآباد دکن) ص ۲۳.
- ۸ - دکتر مهدی بیانی، خوش‌نویسان، نستعلیق‌نویسان (دانشگاه تهران ۱۳۴۵) ص ۱۱۴ - ۱۲۳.
- ۹ - دکتر مهدی بیانی، فهرست نمونه خطوط خوش‌کتابخانه سلطنتی (تهران ۱۳۳۹) ص ۱۲۱ - ۱۶۳.
- ۱۰ - دکتر مهدی بیانی، خوش‌نویسان - نستعلیق‌نویسان ص ۶۸ - ۷۴.
- ۱۱ - ایضاً ص ۲۴۱ - ۲۶۶، حبیب‌السیر (بمبئی) ۱۱۸۴/۳، ۱۵۰۳/۳.
- ۱۲ - ایضاً ص ۸۶۴ - ۸۶۶ ایضاً حبیب‌السیر (بمبئی).





۱۳ - ایضاً ص ۴۹۳ - ۵۱۸ .

۱۴ - دکتر محمد عبدالله جغتائی - حالات هنروران  
۲۹ .

۱۵ - ترجمه اردوی ترک باری (دهلی ۱۹۲۴) ص  
۳۱۱ مجله اسلامیک کلچر (حیدرآباد دکن ۱۹۴۵) نسخه  
واقعات باری ص ۳۰۰ .

۱۶ - ابوالفضل ، آیین اکبری (کلکتہ ۱۸۶۸) ص  
۱۱۳ - ۱۱۵ .

۱۷ - تذکرہ ہمایون واکبر - تصنیف بایزید بیات -  
تألیف ہدایت حسین (کلکتہ ۱۹۴۱) ص ۶۷ - ۶۸ .

۱۸ - عبدالقادر بدایونی - منتخب التواریخ (کلکتہ  
۱۸۶۹) ج ۳ ص ۲۲۷ اتفاقاً در محل تاگور (راجپوتانا) بر  
روی یک قطعه سنگ بزرگ مرمر شکسته بر روی یک دیوار  
قدیمی به خط نستعلیق بسیار زیبا موجود می باشد - در این  
کتیبہ کہ ۴ شعر نقر شده است در آخر آن نام نویسنده بدین  
طریق نوشته شده : قایله و کاتبہ کاتب الملک المشتهر بدوری  
یعنی ابن کتیبہ نوشته مربوط بہ دوران همان بایزید هست کہ  
شاعر ہم بوده است (ایپی گرافیا اندومسلمیکا - دهلی  
۱۹۵۰) ص ۳۸ - ۳۹ .

۱۹ - غلام محمد هفت قلمی - تذکرہ خوش نویسان  
(کلکتہ ۱۹۱۰) ص ۷۸ - ۸۷ - ۱۱۰ .

۲۰ - احمد قمی خطاط و نقاش - (رسالہ بہ انگلیسی  
ترجمہ از مینورسکی Minirsky) واشنگتن ۱۹۵۹ ص  
۱۶۷ - ۱۶۸ غلام محمد هفت قلمی - کتاب مذکور ص ۹۲ .

۲۱ - دکتر مهدی بیانی - خوش نویسان -  
نستعلیق نویسان ص ۴۵۷ - ۴۵۸ مرآة العالم اقتباس از مجلہ  
شرقی (لاهور اوت ۱۹۴۴) ص ۵۳ .

۲۲ - مخطوطہ عالم آرای عباسی - مجموعہ پروفیسور  
آثر - کتابخانہ دانشگاه پنجاب - لاهور .

۲۳ - فہرست مخطوطات فارسی - کتابخانہ بادلین  
آکسفورد آوسلی ۱۷۳ صفحہ ۲۷ ب .

۲۴ - ملامحمد صالح کنبوہ - عمل صالح (کلکتہ  
۱۹۴۶) ج ۲ - ص ۳۰۱ .

۲۵ - Ars orientalis, Michigan (Smithsonian Ins titution) 1957 Vol. II, Articles: By J.V.S. Wilkinson, An Indian Manuscript of the Gulistan Sadi of Shah-jahan Period, pp. 423.

25, and Amanuscript of Sadi's Bustan, By P. Wilson, pp. 415-18.

۲۶ - دکتر مهدی بیانی - خوش نویسان - نستعلیق  
نویسان - ایضاً .

۲۷ - بشیر احمد - مولف فرامین سلاطین (دهلی  
۱۹۲۶) ص ۵۵ - ۵۶ .

۲۸ - مخطوطات قدیم (کتابخانہ نویسنده این مقالہ)  
صفحہ ۵۷ - ۵۸ .

۲۹ - محمد صالح کنبوہ - کتاب مذکور ج ۲ ص ۳۰۱  
۳۰ - فہرست توپ کیوسرای - استانبول فہرست نمہ

۲۳۰۷ و ۲۳۰۸ ج ۲ ص ۱۰۹ مخطوط نوشتہ دیوان حسینی -  
سلطان حسین میرزا باثراً .

۳۱ - محمد صالح کنبوہ - کتاب ذکر شدہ ج ۳ ص  
۴۴۳ - ۴۴۴ .

۳۲ - ایضاً ج ۳ ص ۴۷۱ .  
۳۳ - مجلہ دانشکدہ شرق شناسی لاهور - اوت ۱۹۳۴  
نمہ پلاک ۱۱۰۸ .

۳۴ - دکتر مهدی بیانی - خوش نویسان - نستعلیق  
نویسان - ص ۳۹۸ .

۳۵ - محمد صالح کنبوہ - کتاب مذکور شدہ ج ۳  
ص ۴۴۳ - ۴۴۵ .

۳۶ - هفت قلمی - کتاب مذکور نوشتہ شدہ ص ۵۶ -  
۹۴ - ۹۸ . رقعات عالمگیری (کانپور ۱۲۷۴ ه) ص ۱۷۱ -  
۱۷۲ .

۳۷ - ایضاً ص ۹۴ - ۱۰۰ .